

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۱۵ - ۱۸۹

بررسی تطبیقی هویت اجتماعی زنان از دیدگاه آیت الله خمینی و آیت الله خامنه‌ای

مریم کوچک زاده^۱
خدیجه ذوالقدر^۲
هادی بیگی ملک آباد^۳
عاصمه قاسمی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحولات هویت اجتماعی زنان در اندیشه متفکران مسلمان معاصر، به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. در دنیای مدرن که هویت‌های اجتماعی و جنسیتی دستخوش تغییرات جدی شده‌اند، زنان مسلمان با چالش‌هایی چون نابرابری حقوق، کلیشه‌های جنسیتی، مردسالاری و تعارض نقش‌ها مواجه‌اند. نقش متفکران و روشنفکران مسلمان در شکل‌دهی به نگرش‌ها و سیاست‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی درباره زنان بسیار تأثیرگذار است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه‌های سنت‌گرا، تجددگرا و تمدن‌گرا هر یک با رویکردی متفاوت به موضوع هویت و مشارکت زنان پرداخته‌اند؛ از تأکید بر نقش‌های سنتی و تفاوت‌های طبیعی تا حمایت از حقوق برابر و مشارکت فعال زنان در توسعه. نتایج حاکی از آن است که برای تحقق هویت اجتماعی زنان و توانمندسازی آنان در جامعه، توجه به عوامل حقوقی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی ضروری بوده و تدوین الگویی جامع و روزآمد با تکیه بر عدالت، کرامت و مشارکت فعال زنان، پیش‌نیاز توسعه پایدار و متوازن در جوامع اسلامی است.

واژگان کلیدی

هویت اجتماعی زنان، متفکران مسلمان معاصر، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. گروه مطالعات زنان، گرایش زن و خانواده و حقوق زن در اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: m.kouchakzadeh@iau.ac.ir

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: kzlgadr@hotmail.com

۳. گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: h.beygi@gmail.com

۴. گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۵

طرح مسأله

در جهان معاصر، تغییرپذیری و سیالیت هویت‌های انسانی و اجتماعی به‌ویژه در جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته، موجب شده است که مفهوم هویت اجتماعی و به‌تبع آن هویت اجتماعی زنان، به یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوعات حوزه علوم اجتماعی و مطالعات زنان بدل شود. این تغییرات، نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته بلکه به‌طور خاص در جوامع اسلامی که درگیر فرآیند پیچیده گذار هویتی هستند، نمود بیشتری یافته است. در این جوامع، زنان همواره با چالش‌های متعددی همچون تفاوت حقوق و امتیازات با مردان، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی، سلطه فرهنگ مردسالار و کلیشه‌های جنسیتی مواجه بوده‌اند. این مسائل، به‌ویژه در ایران معاصر که تحولات اجتماعی و سیاسی عمیقی را تجربه کرده است، اهمیت ویژه‌ای یافته و ضرورت بازخوانی و تحلیل اندیشه‌های رهبران و متفکران دینی را دوچندان ساخته است (ایمانی و احمدوند، ۱۴۰۰: ۸). در این میان، اندیشه‌های آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان دو رهبر تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران، سهم بسزایی در جهت‌دهی به سیاست‌ها و نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان و هویت اجتماعی آنان داشته‌اند. انتخاب این دو شخصیت نه تنها به دلیل جایگاه محوری آن‌ها در ساختار سیاسی و فرهنگی ایران معاصر، بلکه به دلیل تأثیرگذاری عمیق و گسترده اندیشه‌های‌شان بر سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و حتی نگرش‌های عمومی جامعه نسبت به زنان است. آیت‌الله خمینی با تأکید بر بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی و احیای نقش زنان در جامعه، الگویی نوین از زن مسلمان ارائه داد که ضمن حفظ حجاب و ارزش‌های دینی، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز حضور فعال داشته باشد (تشکری، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای با تداوم و بازخوانی اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب، تلاش کرده است تا ضمن حفظ اصول اسلامی، پاسخگوی نیازهای جامعه در حال تحول باشد و زمینه ارتقاء جایگاه زنان را در عرصه‌های مختلف فراهم سازد. علت انتخاب این دو رهبر برای پژوهش حاضر، در همین نقش کلیدی و تعیین‌کننده آنان در شکل‌دهی به گفتمان هویت اجتماعی زنان در ایران معاصر و نیز تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم اندیشه‌های‌شان بر سیاست‌گذاری‌ها و تحولات اجتماعی کشور نهفته است.

تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر، از جمله افزایش سطح تحصیلات زنان، ورود گسترده آنان به بازار کار، تغییر الگوهای خانواده و سبک زندگی، و رشد جنبش‌های مطالبه‌گرانه زنان، موجب شده است که هویت اجتماعی زنان همواره در معرض بازتعریف و بازاندیشی قرار گیرد (به‌دراوند، ۱۳۹۷). در این میان، نقش رهبران دینی و سیاسی در جهت‌دهی به این تحولات و ارائه چارچوب‌های نظری و عملی برای تبیین جایگاه زنان، اهمیت

مضاعفی یافته است. اندیشه‌های آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، هر یک با رویکردها و تأکیدات خاص خود، تلاش کرده‌اند تا الگویی اسلامی-ایرانی از هویت اجتماعی زنان ارائه دهند که هم با ارزش‌های دینی سازگار باشد و هم پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر.

یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، نحوه مواجهه با سنت و مدرنیته و تلاش برای ایجاد توازن میان ارزش‌های دینی و مقتضیات عصر جدید است. سنت‌گرایان با تأکید بر بازگشت به اصول اصیل اسلامی و نقد فرهنگ غربی، بر ضرورت حفظ کرامت و منزلت زنان در چارچوب آموزه‌های دینی تأکید دارند و معتقدند که زنان باید از حقوق و فرصت‌های برابر با مردان برخوردار باشند، اما این برابری نباید به معنای نفی تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های مکمل زن و مرد در خانواده و جامعه باشد. در مقابل، جریان‌های تجددگرا و تمدن‌گرا با پذیرش برخی تغییرات اجتماعی و فرهنگی، بر ضرورت ارتقاء سطح آگاهی و توانمندسازی زنان تأکید کرده و نقش آنان را در توسعه و پیشرفت جامعه حیاتی می‌دانند (خرمشاد، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۳).

مسئله مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، یکی از محورهای اصلی اندیشه هر دو رهبر بوده است. آیت‌الله خمینی با تأکید بر حضور فعال زنان در عرصه انقلاب و دفاع مقدس، الگویی نوین از زن مسلمان ارائه داد که همزمان با حفظ حجاب و ارزش‌های دینی، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز نقش‌آفرین باشد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با تأکید بر ضرورت حضور زنان در عرصه‌های مختلف، بر اهمیت نقش‌آفرینی آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی و سیاسی تأکید کرده و بر ضرورت رفع موانع و محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی پیش روی زنان پای فشرده است. این رهیافت‌ها، هرچند در اصول کلی اشتراک دارند، اما در جزئیات و نحوه اجرا و تفسیر، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند که بررسی تطبیقی آن‌ها می‌تواند به فهم عمیق‌تری از تحولات هویت اجتماعی زنان در ایران معاصر منجر شود. با وجود این تأکیدات، زنان همچنان با چالش‌ها و موانع متعددی در مسیر تحقق هویت اجتماعی خود مواجه‌اند. تفاوت‌های حقوقی، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی، کلیشه‌های جنسیتی و ساختارهای مردسالارانه، از جمله موانعی هستند که تحقق کامل هویت اجتماعی زنان را با دشواری مواجه ساخته‌اند. این چالش‌ها، ضرورت بازنگری و بازخوانی مستمر اندیشه‌های دینی و اجتماعی درباره زنان را دوچندان می‌سازد و بر اهمیت پژوهش‌های تطبیقی در این زمینه می‌افزاید. از سوی دیگر، تحولات جهانی و تأثیرپذیری جوامع اسلامی از جریان‌های فکری و فرهنگی بین‌المللی، بر پیچیدگی این مسئله افزوده است.

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که با رویکردی تطبیقی، به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های دو رهبر برجسته جمهوری اسلامی درباره هویت اجتماعی زنان می‌پردازد و تلاش می‌کند تا نقاط اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها را شناسایی و تبیین نماید. این بررسی می‌تواند به ارائه الگویی جامع و کارآمد برای سیاست‌گذاری در حوزه زنان کمک کند و زمینه‌ساز تحولات مثبت در جهت

تحقق عدالت جنسیتی و ارتقاء منزلت اجتماعی زنان باشد. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند با دستیابی به الگویی از سیر اندیشه متفکران، امکان رصد و جایابی بنیان‌های نظری وضع موجود را در پس‌زمینه‌های فکری تصمیم‌سازان در حوزه زنان فراهم آورد و امکان ترسیم افق و چشم‌انداز مطلوب برای پایه‌های نظری تصمیم‌سازان در پژوهش‌های بعدی را فراهم کند. ضرورت انجام این پژوهش، علاوه بر جنبه نظری و علمی، از منظر عملی و کاربردی نیز قابل توجه است. در شرایطی که جامعه ایران با تحولات گسترده اجتماعی و فرهنگی مواجه است و زنان نقش فراینده‌ای در عرصه‌های مختلف ایفا می‌کنند، ارائه چارچوبی روشن و منسجم برای تبیین هویت اجتماعی زنان، می‌تواند به رفع ابهامات و چالش‌های موجود کمک کند و راهگشای سیاست‌گذاری‌های آینده باشد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر جوامع اسلامی که با مسائل مشابه مواجه‌اند، مورد استفاده قرار گیرد. از منظر توسعه، حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف ملی و بین‌المللی، نه تنها به عنوان نیمی از منابع انسانی کشور، بلکه به عنوان عامل اساسی مشارکت و توسعه، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در جامعه‌ای که به سوی دستیابی به توسعه در همه جوانب گام برمی‌دارد، بهره‌مندی از جایگاه همسان با مردان، از حقوق اصلی زنان محسوب می‌شود. تدوین یک الگوی نظریه اجتماعی زنان، شرط لازم و اجتناب‌ناپذیر برای تأمین انسجام فکری و عملی در سطوح مختلف است. پاسخ‌دهی به پرسش‌های پیش رو در خصوص جایگاه و منزلت زن در عرصه‌های گوناگون در اندیشه متفکران مسلمان معاصر، از همه مهم‌تر تعالی خود زن به عنوان یک انسان از ضروریات توانمندسازی زنان است. هویت انسانی در ادبیات قرآنی پیش از آنکه وابسته به مشارکت او در جامعه باشد، متکی به موقعیت او در شبکه نظام هستی و بر محوریت خداوند است و این نگاه به هویت، نگاهی جهت‌دار و مبتنی بر علم، ایمان و عمل صالح است (بندهزاده، ۱۳۹۷). در نهایت، باید تأکید کرد که هویت اجتماعی زنان، مفهومی پویا و چندبعدی است که همواره در تعامل با تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بازتعریف می‌شود. اندیشه‌های آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان دو جریان اصلی در اندیشه اسلامی معاصر ایران، نقش مهمی در جهت‌دهی به این تحولات ایفا کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، می‌کوشد تا به فهمی عمیق‌تر از سیر تحول هویت اجتماعی زنان در ایران معاصر دست یابد و زمینه‌ساز ارتقاء جایگاه و نقش زنان در جامعه باشد.

مبانی نظری

در دنیای معاصر، تغییرپذیری هویت‌های انسانی و اجتماعی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان علوم اجتماعی تبدیل شده است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که هویت در

گذشته‌های نه‌چندان دور، ثبات و پایداری بیشتری داشت و ارزش‌های انسانی و اجتماعی کمتر در معرض دگرگونی قرار می‌گرفتند، اما امروزه به دلیل تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، هویت افراد و گروه‌ها به‌ویژه در جوامع در حال گذار، پیوسته در حال بازتعریف و تغییر است (ایمانی و احمدوند، ۱۴۰۰: ۸). این تغییرپذیری در هویت، به‌ویژه در جوامعی که هنوز در مرز سنت و مدرنیته قرار دارند، موجب بروز سردرگمی‌های هویتی و چالش‌های جدی در ساخت اجتماعی واقعیت شده است. در چنین شرایطی، افراد نه به طور کامل از هویت گذشته جدا شده‌اند و نه توانسته‌اند به هویت جدید متصل شوند؛ این وضعیت، زمینه‌ساز نابسامانی هویتی و حتی بحران‌های فردی و اجتماعی می‌شود (خرمشاد، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۳).

هویت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد مهم هویت انسانی، نقش کلیدی در تعیین جایگاه فرد در جامعه ایفا می‌کند. هویت اجتماعی را می‌توان تعریف از خود دانست که در بستر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد و همزمان بر رفتارها و نگرش‌های اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد (جکینز، ۱۳۸۱: ۷). این هویت، محصول تعامل فرد با گروه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها، و ساختارهای فرهنگی و سیاسی جامعه است. بسیاری از اندیشمندان، هویت جنسیتی را زیرمجموعه هویت اجتماعی می‌دانند و معتقدند که نقش‌ها و انتظارات جنسیتی، به شدت از هویت اجتماعی فرد تأثیر می‌پذیرد. پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی یا مقاومت در برابر آن‌ها، بازتابی از هویتی است که فرد برای خود تعریف می‌کند و این امر به‌ویژه در جوامع اسلامی معاصر، اهمیت ویژه‌ای یافته است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۴).

در عصر حاضر، مسائل مرتبط با زنان و هویت اجتماعی آنان در جوامع مسلمان، به اشکال مختلف و از دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده است. تفاوت حقوق و امتیازات زن و مرد، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی، سلطه فرهنگ مردسالار و رواج کلیشه‌های جنسیتی، افزایش سن ازدواج و مسائل مربوط به مجرد، اشتغال زنان و تعارضات نقشی آن‌ها، نحوه پوشش و سبک آرایش زنان در فضای عمومی، همگی از جمله واقعیت‌هایی هستند که زمینه‌ساز بروز چالش‌های هویتی در میان زنان شده‌اند (ایمانی و احمدوند، ۱۴۰۰: ۸). این چالش‌ها نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و منجر به بازاندیشی در مفهوم هویت اجتماعی زنان شده است. در کشورهای مختلف اسلامی نیز هویت اجتماعی زنان در طول زمان دچار تغییرات فراوانی گردیده که مورد توجه اندیشمندان این کشورها قرار گرفته است.

در این میان، اندیشه‌های متفکران و رهبران دینی و اجتماعی نقش بسزایی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی زنان ایفا می‌کند. تأثیرگذاری اندیشه‌ها و نظریات این متفکران بر افراد مؤثر و تصمیم‌ساز در لایه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی، از یک سو و جریان‌یافتن این افکار در عموم جامعه از سوی دیگر، علت و ریشه بسیاری از تحولات و رخدادهای حقوقی،

اجتماعی و سیاسی است. بررسی سیر تحول اندیشه‌های متفکران مسلمان معاصر درباره هویت اجتماعی زنان، می‌تواند الگویی برای فهم بنیان‌های نظری وضع موجود و ترسیم چشم‌انداز مطلوب در حوزه زنان فراهم آورد (علم‌الهدی، ۱۳۸۹: ۸۵). نتایج چنین بررسی می‌تواند با دستیابی به الگویی از سیر اندیشه متفکران، امکان رصد و جایابی بنیان‌های نظری وضع موجود را در پس زمینه‌های فکری تصمیم‌سازان در حوزه زنان فراهم آورد و همچنین امکان ترسیم افق و چشم‌انداز مطلوب برای پایه‌های نظری تصمیم‌سازان در حوزه زنان را در پژوهش‌های بعدی فراهم کند.

در مبانی نظری معاصر، مفهوم متفکر و روشنفکر نیز اهمیت یافته است. روشنفکری را می‌توان روح ممیز و انتقادی دانست و روشنفکران را کسانی که اهل قضاوت عقلی و سنجش‌گرانه در امور هستند و با دغدغه‌های انسانی، اجتماعی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی اقدام به موضع‌گیری در مباحث و مسائل حساس جامعه خویش می‌کنند (خرمشاد، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۳). متفکر معاصر کسی است که زیست‌جهان دوران خودش را به رسمیت می‌شناسد، اما در همان حال فاصله انتقادی خود را با زمان حال حفظ می‌کند. این رویکرد، پیوندی دوگانه با زمان و زیست‌جهان کنونی ایجاد می‌کند و نوعی انقطاع میان گذشته و اکنون و آینده را رقم می‌زند. از این منظر، اندیشه معاصر در حوزه هویت اجتماعی زنان نیز متأثر از این ویژگی‌هاست و شاهد ظهور رویکردهای متنوعی در میان متفکران مسلمان هستیم.

در تقسیم‌بندی ابتدایی، هویت زنان در اندیشه متفکرین مسلمان معاصر به سه رویکرد سنت‌گرا، تجددگرا و تمدن‌گرا قابل تقسیم است. سنت‌گرایان عمدتاً بر بازگشت به سنت‌های اصیل دینی و فرهنگی تأکید دارند و معتقدند که بی‌توجهی به سنت، انسان را از سعادت معنوی و رستگاری محروم می‌کند. آنان سنت را به یک هویت مسلکی و سیاسی تحویل نمی‌دهند و بیشتر به بررسی انتقادی مدرنیته در فضای معنایی سنت و ایمان می‌پردازند. در حوزه زنان، سنت‌گرایان بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد تأکید دارند و نگاه آنان به زن عمدتاً مبتنی بر متون روایی و حدیثی است که گاه با نگاه منفی به زنان همراه است (ایمانی و احمدوند، ۱۴۰۰: ۸).

در مقابل، تجددگرایان با محوریت انسان و تکیه بر آزادی و اصالت عقل، درصدد تحلیل و تغییر دائمی حیات انسانی هستند و هر آنچه را که مانع این روند باشد - چه دین و چه سنت - نفی می‌کنند. در این رویکرد، استیفای حقوق و دستیابی به هویت اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در حکومت دینی نه تنها ممنوع نیست بلکه ضروری و امکان‌پذیر است (موسوی خمینی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). زنان در این نگاه، عنصر اساسی در شکل‌گیری هویت فرهنگی و توسعه جامعه محسوب می‌شوند و مشارکت آنان برای تحقق عدالت و توسعه پایدار ضروری است. در این میان، باید توجه داشت که تحقق هویت اجتماعی و حقوق زنان تنها با توجه به یک بعد، مثلاً حقوقی یا

فرهنگی، ممکن نیست. عوامل حقوقی، فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی همگی در این زمینه اثرگذارند و نادیده گرفتن هر یک، موجب ناکامی در تحقق هویت اجتماعی زنان می‌شود. همچنین، حقوق زنان نیاز به آموختن و نهادینه شدن در طول زمان دارد و زنان باید به عنوان شهروندان مطالبه‌گر، نقش فعال و مؤثری در جامعه ایفا کنند. مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، شاخص مهمی برای توسعه‌یافتگی جوامع است و حضور آنان در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی، به تحقق توسعه پایدار و متوازن کمک می‌کند.

در سطح نظری، هویت انسانی در ادبیات قرآنی پیش از آنکه وابسته به مشارکت اجتماعی باشد، متکی به موقعیت انسان در شبکه نظام هستی و بر محوریت خداوند است. این نگاه به هویت، جهت‌دار و مبتنی بر علم، ایمان و عمل صالح است و بازگشتگاه انسان به سوی خداوند را از مسیر فطرت و هویت واسطه‌ای انسان فراهم می‌کند. قرآن کریم نیز در آیات متعدد به جایگاه و حقوق زنان پرداخته، اما خوانش این آیات در بسترهای تاریخی و اجتماعی مختلف، به برداشت‌های متنوع و گاه متعارض انجامیده است (علم‌الهدی، ۱۳۸۹: ۸۵).

در دوران معاصر، جریان‌های فکری مختلفی در میان متفکران مسلمان شکل گرفته که هر یک به شیوه‌ای خاص به مسئله هویت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. برخی با رویکردی سنتی و نص‌گرا، نقش‌های جنسیتی را بر اساس متون دینی تبیین می‌کنند؛ برخی دیگر با رویکردی اصلاح‌طلبانه و زمینه‌گرا، کوشیده‌اند تا خوانشی نوین از متون دینی ارائه دهند که با شرایط جدید اجتماعی سازگار باشد. همچنین، جریان سومی تحت عنوان فمینیسم اسلامی ظهور کرده که با ترکیب آموزه‌های دینی و نظریه‌های فمینیستی، به دنبال احقاق حقوق زنان در چارچوب اسلامی است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۴).

در کنار این مباحث، تحولات تاریخی-اجتماعی مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و مابعد مدرنیسم نیز اثرات شگرفی بر مقوله هویت برجای گذاشته‌اند. مدرنیته به عنوان بستر مدرنیسم، پس از رنسانس در اروپا شکل گرفت و با قاعده‌گرایی و نظم‌محوری، بحران‌هایی را در هویت جنسی و اجتماعی پدید آورد. در این دوران، فرهنگ و علم، دنیایی بدون زنان را تصویر می‌کرد و زنان از بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و علمی کنار گذاشته شدند. این روند، ناشی از معرفت‌شناسی بنیادگرا و عینیت‌گرا بود که بر طبیعت ثابت و متفاوت زن و مرد تأکید داشت و به تدریج، نقش و هویت واقعی زنان را نادیده گرفت (سبحانی، ۱۳۹۱: ۵۴).

در نهایت، هویت اجتماعی نه تنها بازتابی از نگرش دیگران نسبت به فرد است، بلکه بازتابی از نگرش فرد نسبت به خود نیز هست. افراد با تأکید بر هویت اجتماعی خود، جایگاه و نقش خود را در جامعه مشخص می‌کنند و بر رفتارها و تعاملات اجتماعی خود تأثیر می‌گذارند. هویت اجتماعی مفهومی نسبی، اکتسابی و تاریخی است که همواره در تعامل با عوامل فردی، اجتماعی

و تاریخی شکل می‌گیرد و بازتعریف می‌شود (جکینز، ۱۴۰۰: ۴۴). از این رو، بررسی هویت اجتماعی و تحولات آن، به ویژه در جوامع اسلامی و در ارتباط با زنان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به فهم عمیق‌تر مسائل اجتماعی و فرهنگی این جوامع کمک کند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با هویت جنسیتی و هویت اجتماعی زنان، طیف گسترده‌ای از رویکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد که هر یک از منظر خاص خود به تبیین و تحلیل جایگاه و تحولات هویتی زنان پرداخته‌اند. در این میان، پژوهش‌های داخلی و خارجی، هم به مبانی نظری و هم به مصادیق عینی هویت زنان در جوامع اسلامی و غیر اسلامی توجه ویژه داشته‌اند.

در حوزه هویت جنسیتی زنان، علویقی (۱۳۵۷) با رویکردی توصیفی در کتاب «زن در آیینه تاریخ» با استناد به آیات قرآن، بر امکان مشارکت زنان در امور اجتماعی و دستیابی آنان به بالاترین مراتب اجتماعی تأکید نموده و نمونه‌هایی از زنان الگو را معرفی می‌کند. مظهری (۱۳۸۰) در «حماسه حسینی» با تحلیل تاریخی و دینی، بر برابری جایگاه زنان و مردان در اجتماع و نقش مستقل هر یک در تاریخ تأکید دارد و در ادامه، در «اسلام و مقتضیات زمان» (۱۳۹۳) اصل مساوات و نفی تبعیض را از ارکان ایدئولوژی اسلامی می‌داند و بیان می‌کند که حقوق و مجازات‌ها در اسلام، دو جنسی و در مشترکات انسانی برابری دارند. شیرازی (۱۳۸۹) نیز با مروری بر دیدگاه‌های اسطوره‌شناسی، روانشناختی و اجتماعی، عوامل مؤثر بر رشد هویت جنسی و تفاوت‌های زنان و مردان را بررسی می‌کند و بر اهمیت توجه به نقاط مشترک برای توسعه انسانی تأکید دارد. روح‌الهی امیری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی نوین با عنوان «امکان گفتمان‌سازی هویت زن در قرآن؛ رویکردی بیناگفتمانی و تحلیل انتقادی» با بهره‌گیری از نظریه گفتمان فرکلاف، نشان داده‌اند که قرآن با تأکید بر عدالت جنسیتی و کرامت انسانی، گفتمان تبعیض‌آمیز پیشااسلامی را نقد و گفتمانی نوین مبتنی بر برابری زن و مرد، مشارکت اجتماعی، استقلال اقتصادی و نقش‌آفرینی زنان در خانواده ارائه می‌دهد و به این ترتیب، زمینه‌ساز تغییرات عمیق هویتی و اجتماعی زنان در جامعه اسلامی شده است.

در زمینه هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان، شاهدی و فرجودی (۱۳۹۹) با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پژوهش خود، جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع را از منظر قرآن بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که اسلام نه تنها مانع مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیست، بلکه برای این مشارکت ارزش قائل است و زن را عضوی مؤثر در اجتماع می‌داند. عزیزی (۱۳۹۴) با نگاهی انتقادی به تاریخ‌نگاری زنان در اسلام، بر نقش عوامل

اجتماعی، فرهنگی و فیزیولوژیکی در تضعیف نقش اجتماعی زنان تأکید نموده است. عربی (۱۴۰۱) نیز با بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی زنان، اهمیت فضای مجازی را در شکل‌دهی به هویت جدید زنان معاصر برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که میزان استفاده و انگیزه حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی، رابطه معناداری با هویت اجتماعی آنان دارد. در سطح اندیشه متفکران مسلمان معاصر، پژوهش حاضری و محمدی (۱۳۹۱) با روش تحلیل بین‌کشوری به گونه‌شناسی جنبش‌های زنان در کشورهای اسلامی پرداخته و نشان داده‌اند که بسته به ساختار سیاسی و سطح توسعه جنسیتی، رویکردهای متنوعی از فمینیسم اسلامی تا فمینیسم مدرن و پسامدرن در کشورهای اسلامی شکل گرفته است. این پژوهش، اهمیت بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی را در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان برجسته می‌سازد. القاضی (۲۰۱۴) نیز با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی جنبش زنان در مصر پرداخته و با تحلیل سوسیالیستی، نقش تحولات تاریخی، مالکیت خصوصی و ساختار طبقاتی را در وضعیت زنان و شکل‌گیری هویت آنان تبیین می‌کند.

در پیشینه پژوهش‌های بین‌المللی نیز مطالعاتی صورت گرفته است. فورست^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش «حجاب: کار مرزی و مذاکرات هویتی در میان زنان مسلمان مهاجر در لس‌آنجلس» با روش توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهد که زنان مسلمان مهاجر فعالانه با سنت‌های دینی و فرهنگی درگیر می‌شوند و حجاب را به عنوان نماد هویت، اطاعت، انتخاب فردی و حتی توانمندسازی بازتعریف می‌کنند. این مطالعه تأکید می‌کند که دین و فرهنگ تنها از بالا توسط رهبران دینی بازتولید نمی‌شود، بلکه کنشگران فردی نیز فعالانه در تفسیر و بازآفرینی آن نقش دارند. مک‌کلندون^۲ و همکاران (۲۰۱۸) با رویکرد کیفی به بررسی آموزش زنان در جهان اسلام پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که سطوح تحصیلات زنان مسلمان در کشورهای مختلف بسیار متنوع است و اسلام به عنوان یک سنت مذهبی، پذیرای رویکردها و تفسیرهای متعدد به برابری جنسیتی است. بندیکسن^۳ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود درباره هویت مذهبی زنان جوان مسلمان در برلین، به نقش زنان در سازمان‌دهی و آموزش اسلام، سخنرانی‌های عمومی و مشارکت در ساختارهای دینی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که زنان مسلمان با ورود به عرصه‌های جدید اجتماعی و رسانه‌ای، هویت دینی و اجتماعی خود را به شیوه‌ای نوین بازتعریف می‌کنند.

در مجموع، پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هویت جنسیتی و هویت اجتماعی زنان در جوامع اسلامی و غیر اسلامی، همواره در حال بازتعریف و تحول بوده است. این تحولات، هم

1 Furseth

2 McClendon

3 Bendixsen

متأثر از آموزه‌های دینی و متون اسلامی و هم تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی بوده‌اند. رویکردهای سنت‌گرا، تجددگرا، تمدن‌گرا و حتی فمینیسم اسلامی، هر یک تلاش کرده‌اند تا در پاسخ به نیازها و چالش‌های عصر جدید، الگویی برای هویت اجتماعی زنان ارائه دهند. همچنین، نقش فضای مجازی، آموزش، جنبش‌های اجتماعی و مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف، در بازآفرینی هویت زنان معاصر بسیار برجسته است. این پیشینه پژوهشی، بستر مناسبی برای تحلیل تطبیقی هویت اجتماعی زنان از دیدگاه اندیشه‌های اسلامی و معاصر فراهم می‌سازد و اهمیت توجه به ابعاد چندگانه و پویای این مفهوم را برجسته می‌نماید.

روش پژوهش

در این پژوهش، ابتدا از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای-اسنادی (نظری) برای گردآوری و بررسی مبانی نظری و پیشینه مرتبط با هویت اجتماعی زنان و دیدگاه‌های آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است. سپس به منظور تحلیل و مقایسه نظام‌مند اندیشه‌های این دو متفکر، روش تطبیقی-مقایسه‌ای به کار رفته است تا شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد آنان در حوزه هویت و جایگاه اجتماعی زنان استخراج گردد. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نظریه نهایی، از روش نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شده است؛ به این معنا که با کدگذاری داده‌های گردآوری شده، مقولات هسته‌ای، اصلی و فرعی مرتبط با هویت اجتماعی زنان در اندیشه این دو رهبر شناسایی و استخراج شده و سپس این مقولات با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند تا ساختار نظری منسجم و جامعی در خصوص تحولات و تفاوت‌های دیدگاه‌های آنان ارائه شود. این رویکرد ترکیبی، امکان بررسی عمیق و چندلایه موضوع را در بستر تاریخی، اجتماعی و دینی فراهم ساخته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی هویت اجتماعی زنان در اندیشه متفکران مسلمان معاصر، به‌ویژه آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، ارائه می‌شود. با توجه به اینکه در جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته، مسئله هویت اجتماعی و جنسیتی زنان به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی تبدیل شده است، واکاوی دیدگاه‌های رهبران و متفکران تأثیرگذار در این حوزه اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با تمرکز بر مؤلفه‌های هویت اجتماعی زنان و تحول آن در بستر اندیشه اسلامی معاصر، به دنبال آن است که ضمن تبیین ابعاد مختلف مشارکت، نقش‌آفرینی و جایگاه زنان در جامعه، نقش اندیشه‌های راهبردی و سیاست‌گذارانه امام خمینی و رهبر معظم انقلاب را در جهت‌دهی به تحولات

اجتماعی زنان آشکار سازد.

۱. بررسی دیدگاه آیت الله خمینی

ورود به بحث درباره دیدگاه امام خمینی در زمینه هویت اجتماعی زنان، با توجه به تحولات هویتی و اجتماعی زنان در جوامع مسلمان معاصر اهمیت ویژه‌ای دارد. در شرایطی که هویت اجتماعی و جنسیتی زنان در مواجهه با چالش‌های سنت و مدرنیته دستخوش تغییرات جدی شده و مسائل مربوط به حقوق، نقش و جایگاه زنان در جامعه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، بازخوانی اندیشه متفکران دینی همچون امام خمینی می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای فهم و تبیین جایگاه زن مسلمان ارائه دهد.

۱-۱. کرامت و انسانیت زن

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه امام خمینی درباره هویت اجتماعی زنان، «کرامت و انسانیت زن» است. امام خمینی با نگاهی متفاوت نسبت به بسیاری از برداشت‌های تاریخی و سنتی، زن را پیش از هر چیز یک انسان بزرگ و شریف می‌داند که برخوردار از کرامت ذاتی و شایسته احترام و عزت است. او با تأکید بر انسانیت زن، تصریح می‌کند که زن، همانند مرد، دارای عقل، اراده و ظرفیت‌های والای انسانی است و نباید جایگاه او را به نقش‌های صرفاً خانوادگی یا تابعیت از مردان تقلیل داد. در این نگاه، زن به عنوان یک فرد مستقل و کامل، حق دارد در سرنوشت خود و جامعه نقش‌آفرین باشد و شأن انسانی او باید در همه سطوح اجتماعی، فرهنگی و حقوقی به رسمیت شناخته شود.

تأکید بر انسانیت زن: امام خمینی در تبیین این زیرمؤلفه، بارها بر این نکته تأکید می‌کند که زن، پیش از هر چیز یک انسان است؛ انسانی که از نظر ارزش و کرامت، هیچ تفاوتی با مرد ندارد و باید به عنوان یک فرد مستقل و صاحب حق دیده شود. ایشان در این باره می‌فرماید: «زن، انسان است. آن هم یک انسان بزرگ».

این سخنان بیانگر آن است که امام خمینی زن را نه تنها از نظر بیولوژیکی، بلکه از منظر انسانی و اجتماعی، هم‌تراز مردان می‌داند و هرگونه نگاه تحقیرآمیز یا درجه‌دومی به زنان را مردود می‌شمارد.

نقش زن در تربیت و تعالی جامعه: در ادامه این مؤلفه، امام خمینی نقش زن را در تربیت و تعالی جامعه بسیار حیاتی و بنیادین می‌داند. او معتقد است که زنان، به واسطه نقش بی‌بدیل خود در پرورش نسل آینده، مسئولیت عظیمی در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه دارند. امام خمینی در این زمینه تصریح می‌کند: زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها به معراج می‌روند» این بیان، جایگاه زن را از سطح نقش‌های صرفاً خانوادگی فراتر می‌برد و او را به عنوان رکن اساسی

تربیت نسل‌ها و پیشرفت جامعه معرفی می‌کند. از نگاه امام خمینی، تربیت انسان‌های بزرگ و متعالی، تنها از دامن زنانی برمی‌آید که خود از کرامت و آگاهی برخوردار باشند و جامعه نیز شأن و منزلت آنان را پاس بدارد.

در مجموع، امام خمینی با تأکید بر کرامت و انسانیت زن، هویت اجتماعی زنان را بر پایه ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی بازتعریف می‌کند و آنان را نه تنها شایسته احترام و عزت، بلکه منشأ تحول و پیشرفت جامعه می‌داند. این رویکرد، زمینه‌ساز نگرشی نوین به جایگاه زن در جامعه اسلامی و الگویی الهام‌بخش برای بازنگری در سیاست‌ها و نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان در ایران معاصر شده است.

۱-۲. مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

امام خمینی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت اجتماعی زنان را مشارکت فعال آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌داند. برخلاف برخی برداشت‌های سنتی که زنان را به نقش‌های محدود خانوادگی و حاشیه‌ای تقلیل می‌دهند، امام خمینی با رویکردی نوین و مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی، بر ضرورت و حق حضور زنان در متن جامعه تأکید می‌کند و مشارکت اجتماعی و سیاسی را نه تنها یک حق، بلکه یک مسئولیت و وظیفه دینی و اجتماعی برای زنان می‌داند. او معتقد است که جامعه‌ای که زنانش در سرنوشت خود و کشور دخالت نداشته باشند، از پویایی و توسعه باز می‌ماند و نیمی از ظرفیت انسانی و فکری خود را از دست می‌دهد.

حق دخالت در سرنوشت خود و جامعه: در اندیشه امام خمینی، زنان باید همانند مردان در تصمیم‌گیری‌های کلان و سرنوشت‌ساز جامعه حضور داشته باشند و نقش‌آفرین باشند. او با صراحت می‌فرماید:

«زن باید در سیاست دخالت کند، زن باید در جامعه دخالت کند، زن باید در تعیین سرنوشت خودش دخالت کند». این جمله به روشنی نشان می‌دهد که امام خمینی زنان را شهروندانی فعال، مسئول و مطالبه‌گر می‌داند که باید در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی حضور داشته باشند و نقش خود را در تعیین مسیر جامعه ایفا کنند.

حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی: امام خمینی علاوه بر تأکید بر حق دخالت زنان در سرنوشت خود، بر لزوم مشارکت عملی و حضور فعال زنان در تمامی عرصه‌ها نیز تأکید دارد. او معتقد است که زنان باید همدوش مردان، بلکه گاه حتی پیشگام‌تر از آنان، در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی و مدیریتی فعالیت کنند و جامعه اسلامی باید زمینه‌های لازم برای بروز و شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم سازد. ایشان در تحسین نقش زنان در انقلاب اسلامی و مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف می‌فرماید:

«ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان، در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همدوش مردان یا بهتر از آنان، در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و رنج می‌برند.»

این سخنان، بیانگر باور عمیق امام خمینی به توانمندی و شایستگی زنان در تمام عرصه‌ها و لزوم حضور آنان در متن جامعه است.

۱-۳. حفظ کرامت و شرافت در مشارکت اجتماعی

در اندیشه امام خمینی، مشارکت اجتماعی زنان نه تنها یک حق، بلکه ضرورتی برای رشد و تعالی جامعه اسلامی است. با این حال، ایشان همواره بر این نکته تأکید داشت که آزادی و حضور فعال زنان در جامعه باید با حفظ کرامت و شرافت انسانی آنان همراه باشد. امام خمینی معتقد بود که زن مسلمان می‌تواند و باید در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی حضور داشته باشد، اما این حضور نباید به قیمت از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی او تمام شود. به بیان دیگر، مشارکت اجتماعی زنان در اندیشه امام خمینی، توازنی میان آزادی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی است؛ به گونه‌ای که زنان بتوانند با حفظ شخصیت و شأن انسانی خود، نقش‌آفرین توسعه و پیشرفت جامعه باشند.

آزادی حضور زنان در جامعه: امام خمینی با صراحت اعلام می‌کند که اسلام زنان را در انتخاب مسیر زندگی و حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی آزاد گذاشته است. او می‌فرماید: «اسلام زن را آزاد گذاشته است که در همه جا حضور داشته باشد و در همه جا فعالیت کند، اما با حفظ کرامت و شرافت خود».

این جمله نشان می‌دهد که از منظر امام خمینی، هیچ مانع شرعی و دینی برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی وجود ندارد و زنان باید بتوانند با آزادی و اختیار، استعدادها و توانمندی‌های خود را در جامعه بروز دهند. او معتقد بود که اسلام اصیل، برخلاف برداشت‌های سنتی و متحجرانه، نه تنها مانع حضور زنان در جامعه نیست، بلکه آن را تشویق می‌کند و زمینه‌های لازم برای مشارکت فعال زنان را فراهم می‌آورد.

رعایت ارزش‌های اخلاقی و معنوی: در کنار تأکید بر آزادی، امام خمینی همواره بر حفظ کرامت و شرافت زن مسلمان تأکید می‌کرد و معتقد بود که مشارکت اجتماعی زنان باید با رعایت ارزش‌های اخلاقی و معنوی همراه باشد. او در ادامه همان نقل قول می‌فرماید: «... اما با حفظ کرامت و شرافت خود».

این بخش از سخن امام خمینی، بیانگر آن است که آزادی زنان در جامعه نباید به معنای رها شدن از اصول انسانی و دینی باشد. زنان باید در عین حضور فعال در جامعه، همواره شأن و

منزلت انسانی و معنوی خود را حفظ کنند و جامعه نیز موظف است زمینه این حضور با عزت را فراهم آورد. او معتقد بود که حفظ کرامت و شرافت زن، نه تنها به نفع خود زنان، بلکه به سود کل جامعه است و موجب ارتقای سطح اخلاقی و معنوی جامعه می‌شود.

در مجموع، رویکرد امام خمینی به مشارکت اجتماعی زنان، الگویی متعادل و جامع از آزادی و مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهد. او معتقد است که زنان باید آزادانه در جامعه حضور داشته باشند، اما این حضور باید با حفظ کرامت، شرافت و ارزش‌های اخلاقی و معنوی همراه باشد تا هم رشد فردی و هم تعالی اجتماعی تضمین شود.

۱-۴. نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه

یکی از مؤلفه‌های مهم در اندیشه امام خمینی درباره هویت اجتماعی زنان، نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه از دین و جامعه است. امام خمینی با رویکردی اصلاح‌گرانه و بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلامی، همواره تأکید می‌کرد که بسیاری از محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که در طول تاریخ بر زنان تحمیل شده، نه ریشه در اسلام حقیقی، بلکه ناشی از تفسیرهای نادرست، متحجرانه و سنتی از دین است. او معتقد بود که اسلام اصیل، نه تنها زنان را به حاشیه نمی‌راند، بلکه به مشارکت فعال و حضور اجتماعی آنان تأکید و توصیه می‌کند.

مخالفت با تفسیرهای متحجرانه از دین: امام خمینی بارها با صراحت اعلام می‌کرد که بخش زیادی از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان، حاصل نگاه‌های متحجرانه و برداشت‌های مردسالارانه از دین است، نه آموزه‌های حقیقی اسلام. او بر این باور بود که این نوع تفسیرها، زنان را از حقوق و جایگاه واقعی‌شان محروم ساخته و مانع از شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های آنان در جامعه شده است. امام خمینی در این زمینه تأکید می‌کند: «اسلام، بر خلاف برداشت‌های سنتی و متحجرانه، نه تنها با مشارکت اجتماعی زنان مخالف نیست، بلکه آن را مورد تأیید و تشویق قرار می‌دهد». این جمله به روشنی نشان می‌دهد که امام خمینی، دین را مانع پیشرفت و حضور اجتماعی زنان نمی‌داند، بلکه معتقد است که اسلام واقعی، زنان را به فعالیت و نقش‌آفرینی اجتماعی دعوت می‌کند.

بازخوانی آموزه‌های اصیل اسلامی درباره زنان: در کنار نقد تفسیرهای سنتی، امام خمینی بر ضرورت بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلامی درباره جایگاه زن تأکید داشت. او معتقد بود که اسلام، زن را از کرامت ذاتی، حقوق انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی برخوردار می‌داند و هرگونه تبعیض یا تحقیر، برخلاف روح تعالیم اسلامی است. امام خمینی با بازخوانی متون دینی و تأکید بر عدالت جنسیتی، تلاش داشت تا الگویی نوین از زن مسلمان ارائه دهد که هم با ارزش‌های دینی سازگار باشد و هم پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر. این نگاه، راه را برای

بازتعریف نقش زنان در جامعه اسلامی باز می‌کند و زمینه‌ساز تحول در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به زنان می‌شود.

در مجموع، نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه در اندیشه امام خمینی، نه تنها به معنای مخالفت با سنت نیست، بلکه تلاشی برای پالایش و بازخوانی سنت بر مبنای آموزه‌های اصیل اسلامی است تا زنان بتوانند با حفظ هویت دینی، در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حضور فعال و مؤثر داشته باشند.

۱-۵. اهمیت آموزش و آگاهی بخشی به زنان

در اندیشه امام خمینی، آموزش و آگاهی بخشی به زنان یکی از ارکان اصلی توانمندسازی و ارتقای هویت اجتماعی آنان است. او بر این باور بود که بدون دسترسی زنان به آموزش، آگاهی و ابزارهای لازم برای فهم واقعیات اجتماعی، نه تنها جامعه از نیمی از ظرفیت‌های بالقوه خود محروم می‌ماند، بلکه زنان نیز قادر نخواهند بود نقش مؤثر و سازنده‌ای در توسعه فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ایفا کنند. امام خمینی با تأکید بر این اصل، زنان را به عنوان شهروندانی فعال، مطالبه‌گر و آگاه معرفی می‌کرد که باید در مسیر رشد و تعالی جامعه، نقش آفرینی کنند.

ضرورت تحصیل و آگاهی زنان: امام خمینی معتقد بود که آموزش و تحصیل، حق طبیعی و اساسی زنان است و هیچ مانعی نباید آنان را از کسب دانش و آگاهی بازدارد. او بر این نکته تأکید داشت که زنان باید به ابزارهای لازم برای فهم واقعیات اجتماعی و دفاع از حقوق خود مجهز شوند تا بتوانند در جامعه نقش فعالی ایفا کنند. در همین راستا، ایشان می‌فرماید: «زنان باید آگاه و قدرتمند باشند تا بتوانند از طریق به کرسی نشاندن گفتمان خویش، نیازها و برنامه‌های کاری خاص خودشان را مطرح کنند و دولت و جامعه را به پذیرش این واقعیت وادار سازند که وضع موجود و عدم برخورداری زنان از حقوق شهروندی طبیعی نیست.» این نگاه، زنان را از حالت انفعال خارج می‌کند و آنان را به کنشگرانی آگاه و مطالبه‌گر تبدیل می‌سازد که می‌توانند برای تغییر وضعیت موجود و تحقق حقوق شهروندی خود، وارد عرصه گفت‌وگو، تعامل و مطالبه‌گری شوند.

نقش زنان در توسعه فرهنگی و اجتماعی: امام خمینی با تأکید بر نقش کلیدی زنان در توسعه فرهنگی و اجتماعی، معتقد بود که زنان آگاه می‌توانند نقش بی‌بدیلی در اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و مشارکت در فرآیند توسعه ایفا کنند. به باور ایشان، حضور زنان تحصیل کرده و آگاه در عرصه‌های مختلف، نه تنها موجب تعالی خود آنان می‌شود، بلکه زمینه‌ساز رشد و پیشرفت کل جامعه خواهد بود. او بر این نکته تأکید داشت که زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه، باید در فرآیند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه کشور نقش آفرینی

کنند و جامعه نیز باید زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های آنان را فراهم آورد.

در مجموع، امام خمینی با تأکید بر اهمیت آموزش و آگاهی‌بخشی به زنان، آنان را به عنوان شهروندانی فعال، مطالبه‌گر و مؤثر در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی معرفی می‌کند و معتقد است که تحقق جامعه‌ای پویا و متعادل، بدون حضور آگاهانه و توانمند زنان امکان‌پذیر نیست.

۱-۶. عدالت جنسیتی و حقوق برابر

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه امام خمینی درباره هویت اجتماعی زنان، تأکید بر عدالت جنسیتی و حقوق برابر زنان و مردان در جامعه اسلامی است. امام خمینی با نگاهی مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی، همواره بر این نکته تأکید داشت که زن و مرد هر دو از کرامت انسانی برخوردارند و هیچ‌گونه تبعیض ساختاری یا حقوقی نباید مانع حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف جامعه شود. او معتقد بود که تحقق عدالت جنسیتی، نه تنها یک مطالبه مدرن یا وارداتی، بلکه ریشه در تعالیم قرآن و سنت پیامبر اسلام دارد و باید به عنوان یک اصل بنیادین در سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهای اجتماعی و حقوقی جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

تأکید بر عدالت جنسیتی در اسلام: امام خمینی بارها تصریح کرده است که اسلام، برخلاف برخی برداشت‌های سنتی و مردسالارانه، زن را از حقوق و کرامت انسانی برابر با مرد برخوردار می‌داند و عدالت جنسیتی را یک اصل اساسی در نظام حقوقی و اجتماعی اسلام معرفی می‌کند. او بر این باور بود که بسیاری از نابرابری‌ها و محرومیت‌های زنان، ریشه در تفسیرهای نادرست از دین دارد و اسلام حقیقی، زنان را به عنوان نیمی از پیکره جامعه، شایسته برخورداری از فرصت‌ها و حقوق برابر می‌داند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «زنان باید از حقوق و فرصت‌های برابر با مردان برخوردار شوند و هیچ مانعی برای حضور آنان در عرصه‌های مختلف وجود نداشته باشد». این جمله، به روشنی نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی از منظر امام خمینی، نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و دینی است که باید در همه سطوح جامعه تحقق یابد.

حقوق و مسئولیت‌های برابر با مردان: در کنار تأکید بر عدالت جنسیتی، امام خمینی بر این نکته تأکید داشت که زنان، همانند مردان، از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند و هیچ محدودیت ساختاری نباید مانع حضور و نقش‌آفرینی آنان شود. او معتقد بود که زنان باید بتوانند در تمامی عرصه‌ها، از جمله آموزش، اشتغال، مدیریت، سیاست و فرهنگ، مشارکت فعال داشته باشند و جامعه باید زمینه‌های لازم برای بهره‌مندی آنان از حقوق

شهروندی را فراهم آورد. این رویکرد، مبنای نظری مهمی برای تحقق عدالت جنسیتی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود و الگویی الهام‌بخش برای بازنگری در سیاست‌ها و قوانین مربوط به زنان در ایران معاصر و سایر جوامع اسلامی است.

در مجموع، اندیشه امام خمینی درباره عدالت جنسیتی و حقوق برابر، بر پایه آموزه‌های اصیل اسلامی، زنان را شایسته برخورداری از فرصت‌ها و مسئولیت‌های برابر با مردان می‌داند و بر رفع هرگونه تبعیض و مانع‌ساختاری در مسیر حضور و نقش‌آفرینی آنان تأکید می‌کند. این نگاه، زمینه‌ساز تحولی بنیادین در نگرش به جایگاه زن در جامعه اسلامی و الگویی برای تحقق عدالت و توسعه متوازن در ایران معاصر شده است.

در ادامه، کدگذاری دیدگاه آیت الله خمینی در زمینه هویت اجتماعی زنان به صورت جدول شماره ۱، ارائه شده است.

جدول شماره ۱: کدگذاری دیدگاه آیت الله خمینی در زمینه هویت اجتماعی زنان

Code	مولفه اصلی	مولفه‌های فرعی	مفاهیم کلیدی
DKH	کرامت و انسانیت زن	تأکید بر انسانیت زن	زن به عنوان انسان بزرگ، کرامت ذاتی، شرافت انسانی
RTJ	کرامت و انسانیت زن	نقش زن در تربیت و تعالی جامعه	زن مربی جامعه، نقش در تربیت نسل، تأثیر در پیشرفت جامعه
PSP	مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان	حق دخالت در سرنوشت خود و جامعه	حق انتخاب، تعیین سرنوشت، مشارکت در سیاست و اجتماع
AAP	مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان	حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی	فعالیت هم‌پای مردان، نقش‌آفرینی در انقلاب و جامعه، شایستگی زنان
KSH	حفظ کرامت و شرافت در مشارکت اجتماعی	آزادی حضور زنان در جامعه	آزادی فعالیت و حضور زنان، مشارکت بدون محدودیت جنسیتی
EVM	حفظ کرامت و شرافت در مشارکت اجتماعی	رعایت ارزش‌های اخلاقی و معنوی	حفظ کرامت، شرافت، رعایت اخلاق و اصول دینی در مشارکت اجتماعی
NTS	نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه	مخالفت با تفسیرهای متحجرانه از دین	رد محدودیت‌های سنتی، نقد مردسالاری، مخالفت با برداشت‌های نادرست
RAI	نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه	بازخوانی آموزه‌های اصیل اسلامی درباره زنان	بازتعریف نقش زن، تأکید بر آموزه‌های اصیل اسلامی، تحول نگرش اجتماعی
EAW	اهمیت آموزش و	ضرورت تحصیل و آگاهی زنان	دسترسی به آموزش، آگاهی از حقوق،

Code	مولفه اصلی	مولفه‌های فرعی	مفاهیم کلیدی
	آگاهی‌بخشی به زنان		توانمندسازی زنان
RCS	اهمیت آموزش و آگاهی‌بخشی به زنان	نقش زنان در توسعه فرهنگی و اجتماعی	نقش زنان در توسعه، شهروند مطالبه‌گر، مشارکت فعال در جامعه
GJE	عدالت جنسیتی و حقوق برابر	تأکید بر عدالت جنسیتی در اسلام	برابری حقوق، رفع تبعیض، عدالت جنسیتی به عنوان اصل دینی
ERM	عدالت جنسیتی و حقوق برابر	حقوق و مسئولیت‌های برابر با مردان	حقوق و مسئولیت‌های برابر، فرصت‌های برابر، مشارکت در همه عرصه‌ها

جدول شماره ۱، ساختار منظمی برای تحلیل دیدگاه امام خمینی درباره هویت و مشارکت اجتماعی زنان ارائه می‌دهد.

۲. بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در بخش دوم یافته‌های پژوهش، به بررسی دیدگاه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره هویت اجتماعی و مشارکت زنان پرداخته می‌شود. با توجه به اهمیت جایگاه زنان در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران معاصر و نقش تعیین‌کننده رهبران فکری در جهت‌دهی به سیاست‌ها و نگرش‌های اجتماعی، تحلیل اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند ابعاد جدیدی از چگونگی بازتعریف نقش و هویت زنان در جامعه اسلامی ایران را آشکار سازد. در ادامه دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره مشارکت و هویت اجتماعی زنان با استناد به بیانات ایشان تبیین می‌شود:

۲-۱. ارزش‌گذاری زنان در اسلام و تأکید بر حفظ ارزش‌ها

در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، ارزش‌گذاری زنان در اسلام و تأکید بر حفظ ارزش‌ها، جایگاهی محوری در تبیین هویت اجتماعی زن مسلمان دارد.

گرامی‌داشت مقام زن در اسلام: آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر جایگاه والای زن در آموزه‌های اسلامی، معتقد است که اسلام برخلاف بسیاری از فرهنگ‌ها و سنت‌های تاریخی که زن را تحقیر و منزوی می‌کردند، برای زن کرامت و منزلت ویژه‌ای قائل شده است. او زن را موجودی ارزشمند و محترم می‌داند که باید عزت و احترامش در جامعه حفظ شود. خامنه‌ای در این زمینه تصریح می‌کند:

او تصریح می‌کند: «اسلام عزیز، زن را گرامی داشته است. آن‌گاه که در دنیا زن را تحقیر می‌کردند، اسلام او را بالا برد و عزیز کرد. در عین حال، اسلام از اختلاط بی‌مبالات و بی‌حساب

زن و مرد و دور شدن از عفاف و حجاب، نهی کرده است؛ زیرا اسلام می‌خواهد زن به عنوان یک عنصر ارزشمند و کارآمد در جامعه حضور داشته باشد، نه به عنوان یک وسیله التذاذ و کامرانی مردان.»

گرامی‌داشت مقام زن در اسلام، از منظر خامنه‌ای، به معنای شناسایی نقش و حقوق زن در جامعه است، اما این نقش‌آفرینی باید در چارچوب اخلاق و ضوابط دینی باشد. او بر این باور است که مشارکت اجتماعی زنان، اگرچه ضرورتی انکارناپذیر و عامل پیشرفت جامعه است، اما باید با حفظ کرامت انسانی، عفاف و مرزهای اخلاقی همراه باشد تا شأن و منزلت زن محفوظ بماند و جامعه از آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی مصون بماند.

شرط مشارکت اجتماعی با رعایت عفاف و حجاب: در عین حال، آیت‌الله خامنه‌ای مشارکت اجتماعی زنان را مشروط به رعایت ضوابط شرعی، عفاف و حجاب می‌داند. او بر این باور است که حضور زن در جامعه باید با حفظ کرامت، عفت و شأن انسانی او همراه باشد و نباید به ابزاری برای بهره‌برداری یا تضعیف ارزش‌های اخلاقی بدل شود. به همین دلیل، تأکید می‌کند: «در عین حال، اسلام از اختلاط بی‌مبالات و بی‌حساب زن و مرد و دور شدن از عفاف و حجاب، نهی کرده است؛ زیرا اسلام می‌خواهد زن به عنوان یک عنصر ارزشمند و کارآمد در جامعه حضور داشته باشد، نه به عنوان یک وسیله التذاذ و کامرانی مردان.»

شرط مشارکت اجتماعی با رعایت عفاف و حجاب، در نگاه خامنه‌ای، نه صرفاً یک الزام ظاهری بلکه ضامن حفظ هویت و کرامت زن مسلمان است. او تأکید می‌کند که حضور زن در جامعه، نباید به ابزاری برای لذت‌جویی مردان یا تضعیف ارزش‌های اخلاقی بدل شود، بلکه باید الگویی از حضور فعال، مسئولانه و ارزشمند باشد. در این چارچوب، خامنه‌ای مشارکت اجتماعی زنان را نه تنها مجاز، بلکه مطلوب و لازم می‌داند، مشروط بر آنکه این مشارکت در بستر ارزش‌های اسلامی و با رعایت مرزهای اخلاقی و دینی تحقق یابد.

در مجموع، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره ارزش‌گذاری زنان در اسلام و مشارکت اجتماعی آنان، بر دو محور اساسی استوار است: نخست، گرامی‌داشت و عزت بخشیدن به زن بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی؛ و دوم، مشروط ساختن مشارکت اجتماعی به رعایت عفاف، حجاب و مرزهای اخلاقی. این رویکرد، تلاشی است برای تحقق توازن میان حضور فعال زنان در جامعه و حفظ هویت اصیل زن مسلمان، به گونه‌ای که هم جامعه از توانمندی‌های زنان بهره‌مند شود و هم شأن و کرامت آنان محفوظ بماند.

۲-۲. نقش‌های خانوادگی زنان و توازن با نقش‌های اجتماعی

نقش‌های خانوادگی زنان و توازن با نقش‌های اجتماعی در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، نقش زنان در خانواده جایگاهی محوری و بنیادین دارد و این نقش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویت اجتماعی زن مسلمان مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان معتقد است که استحکام و سلامت خانواده به حضور فعال و مسئولانه زن بستگی دارد و زن، چه در مقام همسر و چه در مقام مادر، نقشی اساسی در ایجاد محیطی امن، سرشار از محبت و زمینه‌ساز تربیت فرزندان صالح ایفا می‌کند. خامنه‌ای با اشاره به اهمیت این جایگاه تصریح می‌کند: «زن در خانواده، نقش محوری دارد. استحکام خانواده به زن بستگی دارد. اگر زن، شوهردار باشد، مهم‌ترین وظیفه‌اش، عبارت از حفظ خانواده است؛ یعنی محیط خانه را محیط امن، محیط محبت، محیط صفا و محیط تربیت فرزند قرار دهد. اگر زن، مادر باشد، مهم‌ترین وظیفه‌اش، عبارت از تربیت فرزندان صالح است.»

اهمیت نقش مادری و همسری: از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نقش مادری و همسری زنان نه تنها یک وظیفه شخصی و خانوادگی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و تمدنی است. او معتقد است که زنان با ایفای نقش مادری و همسری، بنیان‌های اخلاقی و معنوی جامعه را تقویت می‌کنند و نقش‌آفرینی آنان در خانواده، مستقیماً بر سلامت و پیشرفت جامعه اثرگذار است. به همین دلیل، خامنه‌ای تأکید دارد که زن باید محیط خانه را به محیطی امن و سرشار از محبت و تربیت تبدیل کند و تربیت فرزندان صالح را در اولویت قرار دهد.

ضرورت توازن میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی: در عین حال، آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت ایجاد توازن میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی زنان تأکید می‌کند. او بر این باور است که حضور اجتماعی و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، زمانی مطلوب و سازنده است که با نقش‌های خانوادگی آنان در تعارض قرار نگیرد و موجب تضعیف جایگاه زن در خانواده نشود. از نگاه ایشان، زن مسلمان می‌تواند در جامعه حضور فعال داشته باشد، اما نباید این حضور به قیمت غفلت از مسئولیت‌های خانوادگی و تربیت نسل آینده تمام شود. خامنه‌ای با این رویکرد تلاش می‌کند الگویی متعادل از زن مسلمان ارائه دهد که هم در عرصه خانواده و هم در عرصه اجتماع نقش‌آفرین و مؤثر باشد.

در مجموع، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش‌های خانوادگی زنان و توازن با نقش‌های اجتماعی، بر اهمیت بنیادین نقش مادری و همسری در کنار مشارکت اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که تحقق جامعه‌ای سالم و پیشرفته، نیازمند زنان توانمند و مسئولی است که بتوانند میان این دو عرصه مهم، تعادل برقرار کنند.

۲-۳. ضرورت فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای زنان

در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، علمی و اقتصادی، یکی از اصول مهم تحقق عدالت اجتماعی و توسعه جامعه اسلامی به شمار می‌رود. ایشان معتقد است که جامعه باید زمینه حضور و فعالیت زنان را در تمامی عرصه‌ها فراهم کند و هیچ مانع ساختاری یا فرهنگی نباید سد راه رشد و پیشرفت آنان شود. خامنه‌ای با تأکید بر مسئولیت جامعه در این زمینه تصریح می‌کند: «جامعه باید برای تحصیل، برای اشتغال، برای فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، برای حضور در میدان سیاست، برای تصدی مسئولیت‌های گوناگون، برای قضاوت و امثال اینها، میدان را برای زنان باز بگذارد. این‌ها وظیفه جامعه است.»

فراهم‌سازی فرصت‌های برابر در تحصیل، اشتغال و مسئولیت‌های اجتماعی: از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، زنان باید بتوانند همانند مردان از فرصت‌های برابر در زمینه تحصیل، اشتغال و تصدی مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند. او بر این باور است که حضور زنان در عرصه‌های مختلف نه تنها یک حق، بلکه ضرورتی برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه جامعه است. خامنه‌ای تأکید می‌کند که هیچ محدودیتی نباید مانع حضور زنان در عرصه‌های علمی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی شود و جامعه وظیفه دارد بسترهای لازم برای شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های زنان را فراهم آورد.

تأکید بر رفع موانع ساختاری و فرهنگی: در کنار فراهم‌سازی فرصت‌ها، آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت رفع موانع ساختاری و فرهنگی که مانع مشارکت مؤثر زنان در جامعه می‌شود، تأکید دارد. او معتقد است که بسیاری از محدودیت‌ها و تبعیض‌ها، ریشه در ساختارهای سنتی و نگرش‌های فرهنگی نادرست دارد که باید اصلاح شود تا زنان بتوانند آزادانه و با حفظ ارزش‌های اسلامی، نقش‌آفرینی کنند. خامنه‌ای با این رویکرد، خواستار بازنگری در قوانین، سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی است تا زمینه تحقق عدالت و برابری برای زنان فراهم گردد.

در مجموع، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره ضرورت فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای زنان، بر پایه اصل عدالت اجتماعی و توسعه متوازن استوار است و بر این نکته تأکید دارد که جامعه اسلامی باید با رفع موانع و فراهم‌سازی فرصت‌های برابر، زمینه حضور فعال و مؤثر زنان را در همه عرصه‌ها مهیا سازد.

۲-۴. مشارکت زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، مشارکت زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه نقطه عطفی الهام‌بخش در هویت اجتماعی و نقش‌آفرینی زنان

ایرانی به شمار می‌آید. ایشان معتقد است که زنان در این برهه‌های حساس، حضوری فعال، مؤثر و بی‌بدیل داشته‌اند و با ایثار، فداکاری و حضور آگاهانه خود، مسیر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران را به شکلی بنیادین متحول ساخته‌اند.

نقش تاریخی و الهام‌بخش زنان در تحولات اجتماعی: خامنه‌ای بر این باور است که زنان با حضور خود در صفوف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، نه تنها به عنوان پشتوانه معنوی و عاطفی خانواده‌ها، بلکه به عنوان بازیگران اصلی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، نقش‌آفرینی کرده‌اند. او تأکید دارد که این حضور، صرفاً محدود به عرصه‌های پشتیبانی یا عاطفی نبوده، بلکه زنان در صف مقدم مبارزه، تربیت نسل انقلابی و حتی مدیریت و ساماندهی امور اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش کرده‌اند. ایشان با اشاره به این جایگاه می‌فرماید: «زنان در انقلاب اسلامی نقش بسیار بزرگی داشتند. زنان در دفاع مقدس نقش بسیار بزرگی داشتند.»

اهمیت استمرار این نقش در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی: از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نقش‌آفرینی زنان نباید به دوران انقلاب و دفاع مقدس محدود بماند، بلکه این سرمایه عظیم باید در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی تداوم یابد. او معتقد است که زنان امروز نیز باید با الهام از آن تجربه تاریخی، در همه عرصه‌ها حضور فعال و مؤثر داشته باشند و جامعه اسلامی باید زمینه‌های لازم برای بروز و شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم کند. در همین راستا، ایشان تأکید می‌کند:

«زنان در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی نقش بسیار بزرگی دارند». در مجموع، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره مشارکت زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، بر اهمیت نقش تاریخی و الهام‌بخش زنان در تحولات اجتماعی و ضرورت استمرار این نقش در همه عرصه‌های جامعه تأکید دارد. او زنان را نه تنها به عنوان نیمی از نیروی انسانی جامعه، بلکه به عنوان عاملان اصلی توسعه، پیشرفت و تعالی کشور می‌داند و بر این باور است که حضور آگاهانه و فعال زنان در همه عرصه‌ها، ضامن پویایی و موفقیت جامعه اسلامی است. در ادامه، یک جدول کدگذاری برای تحلیل دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره هویت و مشارکت اجتماعی زنان ارائه می‌شود.

جدول ۲. کدگذاری دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره هویت اجتماعی زنان

نام کد	مؤلفه اصلی	مؤلفه فرعی	مفاهیم کلیدی
VWI	ارزش‌گذاری زنان در اسلام و تأکید بر حفظ	گرامی‌داشت مقام زن در اسلام	عزت زن در اسلام، مقابله با تحقیر تاریخی، کرامت انسانی زن
MCH	ارزش‌ها	شرط مشارکت اجتماعی با رعایت عفاف و حجاب	لزوم رعایت عفاف و حجاب، مشارکت مشروط، مرزهای

نام کد	مولفه اصلی	مولفه فرعی	مفاهیم کلیدی
			اخلاقی و شرعی
RFJ	نقش‌های خانوادگی زنان و توازن با نقش‌های اجتماعی	اهمیت نقش مادری و همسری	نقش محوری زن در خانواده، تربیت فرزند صالح، مسئولیت خانوادگی
BFS		ضرورت توازن میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی	تعادل نقش اجتماعی و خانوادگی، عدم تعارض نقش‌ها، سلامت خانواده و جامعه
EOF	ضرورت فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای زنان	فراهم‌سازی فرصت‌های برابر در تحصیل، اشتغال و مسئولیت‌های اجتماعی	فرصت برابر، تحصیل، اشتغال، مسئولیت اجتماعی
RSC		تأکید بر رفع موانع ساختاری و فرهنگی	موانع فرهنگی و ساختاری، اصلاح قوانین، حمایت اجتماعی
PRR	مشارکت زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس	نقش تاریخی و الهام‌بخش زنان در تحولات اجتماعی	نقش زنان در انقلاب، دفاع مقدس، الهام‌بخشی، مشارکت فعال
CRP		اهمیت استمرار این نقش در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی	استمرار نقش زنان، حضور در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

جدول کدگذاری شماره ۲ دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که اندیشه ایشان درباره هویت و مشارکت زنان بر چهار محور اصلی شامل ارزش‌گذاری زن در اسلام، نقش‌های خانوادگی و توازن با نقش‌های اجتماعی، ضرورت فراهم‌سازی فرصت‌های برابر، و مشارکت تاریخی زنان در تحولات اجتماعی استوار است. هر محور با زیرمولفه‌هایی مانند تأکید بر کرامت زن، رعایت عفاف و حجاب، اهمیت نقش مادری، توازن نقش‌ها، رفع موانع ساختاری و استمرار نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف تکمیل می‌شود.

بحث

در بررسی تطبیقی دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای درباره هویت اجتماعی و مشارکت زنان، می‌توان گفت هر دو اندیشمند با تکیه بر مبانی اسلامی، بر کرامت ذاتی و شأن انسانی زن تأکید دارند و نقش او را در تربیت نسل و تعالی جامعه اساسی می‌دانند. امام خمینی با صراحت زن را "انسان بزرگ" و "مری جامعه" می‌خواند و بر اهمیت حضور فعال او در همه عرصه‌ها تأکید می‌کند. خامنه‌ای نیز با تأکید بر عزت زن در اسلام، کرامت و منزلت او را محفوظ می‌داند و

معتقد است زن باید در جامعه حضور داشته باشد، اما این حضور را مشروط به رعایت عفاف، حجاب و مرزهای اخلاقی می‌داند.

از منظر مشارکت اجتماعی و سیاسی، هر دو رهبر بر حق زنان در تعیین سرنوشت خود و جامعه تأکید دارند. امام خمینی مشارکت زنان را در انقلاب اسلامی و عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی ستایش می‌کند و حضور آنان را هم‌پای مردان یا حتی برتر می‌داند. خامنه‌ای نیز نقش زنان را در انقلاب و دفاع مقدس بسیار بزرگ می‌خواند و استمرار این نقش را در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی ضروری می‌داند. با این حال، تفاوت مهم در رویکرد خامنه‌ای، تأکید بیشتر بر توازن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است؛ او نقش مادری و همسری را محوری می‌داند و معتقد است فعالیت اجتماعی زنان نباید به قیمت تضعیف خانواده تمام شود.

در حوزه عدالت جنسیتی و حقوق برابر، امام خمینی آشکارا بر برابری حقوق و فرصت‌های زنان و مردان تأکید می‌کند و رفع هرگونه تبعیض ساختاری را ضروری می‌داند. او معتقد است بسیاری از محرومیت‌های زنان ریشه در تفسیرهای نادرست از دین دارد و اسلام حقیقی زنان را شایسته حقوق برابر می‌داند. خامنه‌ای نیز بر فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای زنان در تحصیل، اشتغال و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد و رفع موانع ساختاری و فرهنگی را وظیفه جامعه می‌داند، اما همواره بر رعایت مرزهای شرعی و فرهنگی و توازن نقش‌ها پافشاری می‌کند.

هر دو اندیشمند، آموزش و آگاهی‌بخشی به زنان را شرط لازم برای توانمندسازی و مشارکت فعال آنان در جامعه می‌دانند. امام خمینی زنان را به عنوان شهروندان مطالبه‌گر معرفی می‌کند که باید از ابزارهای فرهنگی برای پیگیری حقوق خود بهره ببرند. خامنه‌ای نیز بر لزوم آگاهی، تحصیل و حضور زنان در عرصه‌های مختلف تأکید دارد و نقش آنان را در توسعه علمی و فرهنگی جامعه مهم می‌شمارد.

در نهایت، هر دو رهبر با نقد برداشت‌های سنتی و مردسالارانه، بر بازخوانی آموزه‌های اصیل اسلامی درباره زنان تأکید دارند. امام خمینی صراحتاً با تفسیرهای متحجرانه از دین مخالفت می‌کند و خامنه‌ای نیز با تأکید بر کرامت زن در اسلام، مشارکت اجتماعی زنان را در چارچوب ارزش‌های اسلامی مشروع می‌داند. تفاوت اصلی در این است که امام خمینی رویکردی بازتر و تحول‌خواه‌تر نسبت به حضور اجتماعی زنان دارد، در حالی که خامنه‌ای بیشتر بر حفظ توازن میان نقش‌های سنتی و اجتماعی و رعایت مرزهای فرهنگی و دینی تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی اندیشه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای درباره هویت اجتماعی و مشارکت زنان، نشان می‌دهد که هر دو متفکر با تکیه بر مبانی اسلامی، به دنبال تعریف جایگاهی عزتمند برای زن مسلمان در جامعه معاصر ایران بوده‌اند. با وجود اشتراکات اساسی در تأکید بر کرامت زن و اهمیت نقش‌آفرینی او، تفاوت‌هایی در شیوه تفسیر و اولویت‌بندی نقش‌های اجتماعی و خانوادگی، و همچنین در میزان انعطاف نسبت به تحولات اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود. نخست، هر دو رهبر زن را به‌عنوان موجودی صاحب کرامت و اثرگذار در تربیت نسل و پیشرفت جامعه می‌شناسند و بر ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی زنان تأکید دارند. این رویکرد، بستر مناسبی برای بازتعریف جایگاه زن در جامعه اسلامی و عبور از نگاه‌های تحقیرآمیز سنتی فراهم می‌کند. دوم، در زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی، هر دو اندیشمند بر ضرورت حضور زنان در عرصه‌های مختلف تأکید دارند، اما تفاوت در میزان انعطاف نسبت به نقش‌های خانوادگی مشهود است. خامنه‌ای بیش از خمینی بر توازن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و رعایت مرزهای شرعی تأکید دارد و این امر به نوعی پاسخ به چالش‌های هویتی و نقش‌آفرینی زنان در دنیای مدرن است. سوم، در حوزه عدالت جنسیتی و حقوق برابر، هر دو رهبر بر اصل برابری حقوق و فرصت‌ها تأکید دارند، اما رویکرد امام خمینی بازتر و تحول‌خواه‌تر است و رفع تبعیض‌ها را امری فوری و ساختاری می‌داند، در حالی که خامنه‌ای به تدریج و با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و دینی به این موضوع می‌پردازد. چهارم، آموزش، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی زنان به‌عنوان پیش‌نیاز مشارکت فعال آنان در جامعه، مورد تأکید هر دو اندیشمند است. این نگاه، زنان را از حاشیه به متن جامعه می‌آورد و آنان را به عنوان عاملان توسعه و تغییر معرفی می‌کند. پنجم، نقد سنت‌های مردسالارانه و بازخوانی آموزه‌های اصیل اسلامی درباره زنان، راه را برای تحول نگرش‌ها و سیاست‌گذاری‌های جدید در حوزه زنان باز می‌کند. در این میان، امام خمینی با صراحت بیشتری بر بازنگری گسترده‌تر تأکید دارد، اما خامنه‌ای بر حفظ توازن و رعایت مرزهای ارزشی و فرهنگی پافشاری می‌کند.

با توجه به چالش‌های هویتی و اجتماعی زنان در جامعه معاصر ایران و با عنایت به ظرفیت‌های نظری هر دو دیدگاه، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران با بهره‌گیری از نقاط قوت هر دو رویکرد، الگویی جامع، منعطف و متناسب با شرایط روز را تدوین کنند. این الگو باید همزمان عدالت، کرامت و مشارکت فعال زنان را تضمین کند و با رفع موانع ساختاری و فرهنگی، زمینه حضور مؤثر زنان را در تمامی عرصه‌های اجتماعی، علمی و مدیریتی فراهم آورد. همچنین لازم است با تکیه بر آموزش و آگاهی‌بخشی، زنان را به شهروندانی مطالبه‌گر و توانمند تبدیل کرد تا بتوانند نقش‌آفرینی مؤثری در توسعه پایدار و متوازن جامعه داشته باشند.

فهرست منابع

۱. ایمانی، علی؛ احمدوند، ولی محمد؛ (۱۴۰۰)، تبیین جایگاه زن در اندیشه جریانهای سلفی معاصر؛ نشریه اندیشه نوین دینی، شماره ۶۴
۲. قاسمی، الهام. (۱۴۰۰). هویت فرهنگی در عصر جهانی شدن: همگرایی یا واگرایی؟! پژوهش های مکانی فضایی، ۲۵ (پیاپی ۱۸)، ۸۳-۹۶.
۳. بندهزاده، خسرو (۱۳۸۲). هم برابری زن و مرد، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بهداروند، محمدمهدی، (۱۳۹۷)، بازشناسی جایگاه زن در اندیشه دینی، پیام زن ، شماره ۲۰۰
۵. تشکری، زهرا (۱۳۸۱). زن در نگاه روشن فکران، قم : دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۶. جنکینز، ریچارد، (۱۴۰۰)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: انتشارا شیرازه
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). زن در آئینه جمال و جلال الهی، قم : اسرا.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳)، زن در آئینه جمال و جلال الهی، تهران، رجا
۹. چاوشیان، (۱۳۸۱)، سبک زندگی و هویت اجتماعی، پایان نامه دکتری جامعه شناسی تهران، دانشکده علوم اجتماعی
۱۰. حداد عادل غلامعلی ، (۱۳۹۶). دانشنامه و دانشنامه نگاری ، نشر مرجع، تهران
۱۱. حداد، طاهر (۲۰۱۴) امرأتنا فی الشریعة و المجتمع، تونس: دارالمعارف.
۱۲. حسین زاده، علی، فرهنگ ارشاد، امین نیازی، (۱۳۸۸) " بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز"، مجله جامعه شناسی کاربردی شماره ۳۵،
۱۳. حسینی اصفهانی، عمادالدین (۱۳۶۶). زنان پیغمبر اسلام، تهران: نشر محمد.
۱۴. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال ...، ترجمه چند تن از فضلاء حکمت ، تهران: حکمت.
۱۵. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۱۵ق). نگرشی بر مقاله قبض و بسط تئوریک شریعت عبدالکریم سروش، مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
۱۶. حکیم پور، محمد (۱۳۸۲). حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: نغمه نواندیش.
۱۷. خرمشاد، محمداقبر (۱۳۸۲) روشنفکری و روشنفکری دینی ایران در سمت حرکت، فصلنامه سیاسی-اجتماعی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۴
۱۸. زلفعلی فام، جعفر و غفاری، (۱۳۸۸)، " تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی دختران دانشگاه گیلان " مجله پژوهش جوانان، فرهنگ، جامعه
۱۹. علویقی، علی اکبر (۱۳۵۷). زن در آئینه تاریخ، شرکت چاپ تهران ..
۲۰. سبحانی، محمدتقی، (۱۳۹۱) الگوی جامع شخصیت زن مسلمان (تعاریف و ساختار) ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران

۲۱. شیرزاد کبریا بهارک، (۱۳۹۸)، نقش زن در فعالیتهای اجتماعی با تاکید بر اندیشه های امام خمینی (ره)، زن مسلمان ایرانی در آینه الگوی پیشرفت پنجاه ساله
۲۲. عزیزی، حسین، (۱۳۹۴)، جایگاه زن در تاریخ اسلام، فصلنامه پژوهشهای تاریخی، شماره ۲۴
۲۳. شاهدهی، سامره، و فرجودی، محمدعلی. (۱۳۸۹). جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۱(۴) (مسلسل ۴)، ۱۱۳-۱۳۳.
۲۴. غلامی، علی، (۱۳۹۸)، زن در اندیشه اسلامی: هویت خانوادگی و اجتماعی زن در نظام جنسیت و خانواده در اسلام، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی
۲۵. کاستلز، ایمانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، تهران- طرح نو نشر نی
۲۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۹)، "تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید" ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
۲۷. لولا آور، منصوره؛ شاهمرادی زواره راضیه، (۱۴۰۰)، واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت الله خامنه ای، فصلنامه علمی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۶
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۳۰. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن (از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی)، تهران: اطلاعات.
۳۱. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). زن و فرهنگ دینی، تهران: هستینما.
۳۲. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۵)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران:

عروج

33. Bendixsen (2020) *The Religious Identity of Young Muslim Women in Berlin* Published by: Brill Stable URL:
34. Furseth, I. (2015). The hijab: Boundary work and identity negotiations among immigrant Muslim women in the Los Angeles area. *Review of Religious Research*, 365-385.
35. McClendon, D., Hackett, C., Potančoková, M., Stonawski, M., & Skirbekk, V. (2018). Women's education in the Muslim world. *Population and Development Review*, 311-342.